# آیا می دانید محبت كردن بهترین راه تربیت است؟



این كه یك كودك چقدر تربیت پذیر باشد، در درجه اول بستگی به این دارد كه احساس كند چقدر مورد محبت قرار دارد و چقدر به عنوان یك انسان و عضو خانواده او را به حساب می آورند.

تربیت، جزئی لاینفك ازهركاری است كه برای كودك و با كودك انجام می دهیم. زمانی وظیفه مادری را با تغذیه شیرمادر و شروع تدریجی غذای كمكی و از شیرگرفتن به انجام رسانیده اید ، اینك نوبت انجام سایرجنبه های مادری است. چنانچه وظایف مادری را تا به حال خوب به انجام رسانیده باشید اینك نیز در حال تربیت كودك خود در موقعیت مطلوب هستید.

### كودكان محتاج راهنمایی هستند

همچنان كه شیرخوار و كودك بزرگ تر می شود محتاج آموزش راه رفتن درست، صحبت كردن و گاه اصلاح می گردد تا بتواند راه و رسم زندگی را فراگیرد. اگر پایه و اساس احساس امنیت در شیرخوارگی ریخته شود و اگر والدین را افرادی مهربان، مؤدب و احترام كننده به دیگران ببیند، خودش هم همین كار را خواهد كرد ؛ زیرا تمایل دارد كه والدین از او راضی باشند. از طرفی باید توجه داشته باشیم كه او كودك است و در حال رشد ؛ ناتوانی های زیادی دارد ، درك او محدود است و تجربه ای نیز نیندوخته. لذا نباید انتظارمان خارج  از توان و درجه رشد و تكامل او باشد ولازم است او را به خاطر بی تجربه بودنش راهنمایی كنیم. باید بفهمیم كه چه وقت نمی فهمد و مشكل دارد و چه طور با او حرف بزنیم كه درك كند. ممكن است بارها لازم باشد كه تكرار كنیم و تذكر بدهیم. همیشه باید از خود سؤال كنیم كه چه می خواهیم بكنیم؟ و حس كنیم چگونه می خواهیم این كار را انجام دهیم. وقتی راه صحیحی را انتخاب كردیم نباید یكباره تغییر جهت بدهیم . باید طوری عمل كنیم كه او نیز دچار مشكل نشود. كودكان از شیرخوارگی به بعد نیاز به راهنمایی توأم با محبت دارند. به این معنی كه بفهمند ظرفیت و توان آنها را در نظر داریم ، تحقیرشان نمی كنیم و ، آبرویشان را نمی بریم و با مهربانی آنها را راهنمایی می كنیم.

الیزابت هورمن در مورد نیازهای كودكان نوپا چنین می نویسد:" ما فكر می كنیم كه همه كودكان با مشاهده جلوه های انسانیت ؛ غمخواربودن و دوستی ، شفقت و احترام به دیگران و ... را می آموزند. ولی همیشه این طور نیست . باید به آنها یاد داد، باید حرف زد. نمی توان انتظار داشت كه با نگاه به ما یاد بگیرند. از طرفی چنانچه اشتباه كردند باید به درستی راهنمایی شوند. باید رفتار قابل قبول را به آنها تفهیم كنیم، انتظاراتی را كه از آنها داریم به شكلی كه قابل دسترسی باشند معین كنیم و هر زمان كه اشتباه كردند جلو آنها را بگیریم، باید در نظر داشت همه اینها اقدام های لازم تربیتی هستند."



گاهی باید جلو آنها را بگیریم. باید هشیار باشیم  كه به كسی آزار نرسانند، لوازم دیگران را برندارند، به آنچه در اختیار دارند صدمه نزنند. باید تفاوت رفتار طبیعی كودك نوپا و كودكان كم سن و سال را از رفتاری كه حاكی از شلوغ كاری و از هم گسیختگی و غیرقابل كنترل بودن است، جدا كنیم. راهنمایی كردن یك كودك برای این كه او را از یك راه اشتباه منصرف كنیم كارآسانی نیست و این وظیفه ماست كه وقت بگذاریم و با صحبت و رفتار خاص ، فكر یا راه او را اصلاح كنیم. ما به عنوان والدین، بهتر از دیگران فرزندمان را می شناسیم و می دانیم او لوس است و كارش درست یا غلط است. زیرا به او مهر ورزیده ایم و به شایستگی احترام كرده ایم . پس ما برای تربیت او و گذرانیدن او از مراحل مختلف و یاد دادن درست و غلط ، قوانین و ایجاد شخصیت، تواناتر از دیگران هستیم.

راهنمایی كردن توأم با دلسوزی و مهربانی، قدم مهمی از مراقبت كودكان به حساب می آید و به آنها كمك می كند كه نسبت به افراد خانواده و جامعه مهربان بوده و افرادی قابل احترام و دوست داشتنی باشند.

تغذیه با شیر مادر اهمیت فراوانی دارد و آثار دائمی آن برای همه عمر باقی است. این آموزش ها نیز مثل تغذیه با شیر مادر منافع متعددی دارند كه برای همه عمر با فرزند ما همراه خواهند بود.

تربیت راهنمایی توأم با محبت است كه از طرف والدین نسبت به كودك اعمال می شود. در این فرآیند كودك یاد می گیرد كه اعمال و رفتار صحیح را به دلایل واقعی و صحیح انجام دهد و به كودك كمك می شود كه به فردی قابل اعتماد، خوش قلب و مهربان تبدیل شده ، بتواند با اعتماد به نفس به زندگی وارد گردد و در كارش موفق باشد.

دكتر كمپبل توضیح می دهد كه رفع نیازهای عاطفی كودك نقش حیاتی در تربیت او دارد. او می گوید:" برآوردن نیازهای عاطفی یك كودك و تربیت كردن توام با محبت( یعنی صحبت كردن و توضیح دادن این كه چرا بله و چرا نه) منجر به ایجاد پیوند عاطفی توام با مهر و محبت قوی و سالمی بین كودك و والدین می شود. لذا هرگاه مسئله ای برای كودك پیش آید والدین بایستی فكركنند كه كجا اشتباه كرده اند؟ چرا كودك متوجه نشده ؟ و همین جا و قبل از هر كار دیگری آن را اصلاح كنند. شاید كودك درست نفهمیده است، باید وقت گذاشت و همراه با محبت، مسئله را برای او بازگو كرد و توضیح داد. باید توضیح داد كه مثلاً چرا نباید این كار را بكنی. او می فهمد و درك می كند. اگر درك نكرد باید وقت گذاشت تا بفهمد .

" اما در مورد این كه تنبیه در كجای این تعریف قرار می گیرد، این محقق می افزاید:" تربیت یعنی آموختن به كودك كه چه راهی را برود و چه كاری بكند. تنبیه فقط یك جزء از تربیت است. هر چه كودكی بهتر تربیت شود و بهتر آموزش ببیند و با مقررات و رفتارهای صحیح بیشتر آشنا شود، تنبیه كمتری لازم می شود و این كه یك كودك چقدر تربیت پذیر باشد، در درجه اول بستگی به این دارد كه احساس كند چقدر مورد محبت قرار دارد و چقدر به عنوان یك انسان و عضو خانواده، او را به حساب می آورند. اگر كودك نداند كه مادر دوستش دارد ، در مقابل تنبیه طغیان می كند ولی وقتی بداند دوستش دارند، می داند كه او را می خواهند. بنابراین**بزرگترین وظیفه ما این است كه كاری كنیم كه فرزندمان احساس كند دوستش داریم و به او احترام می گذاریم."**

در مجموع باید پذیرفت كه تربیت واقعی را با تنبیه اشتباه نگیریم. تنبیه كردن باعث می شود كه كودك كاری را متوقف كند، اما به احساسی كه در پس این عمل نهفته است نگاه نمی كند و منجر به فراموش شدن درون كودك می شود. وقتی به كودك نگویید چرا با او صحبت نمی كنید ، نمی فهمد چه اتفاقی افتاده است . كودكی كه رفتارش موجب تنبیه او شده به راحتی ، ولی به طور گول زننده كنترل می شود. رفتارش رفتاری به ظاهر مطیعانه است اما ممكن است از روی میل نباشد و اعتماد به نفس نیز نداشته باشد. ممكن است در ظاهر آرام و مطیع باشد ولی در درون ملتهب و مضطرب باشد. چنین كودكی به زودی طغیان می كند و افسار گسیخته خواهد شد.